



از اینکه امام رضا (ع) به شما دستور داد و شما واسطه شدید تا من حکم خادمی بگیرم. «حاج آقا خندیدند و گفتند: «عجب تشکری! تا حالا کسی این طوری از ما تشکر نکرده بود! این مهربانی در ذاتشان ماندگار بود. حتی موارد بسیار ساده و محبت آمیز حاج آقا، برای ما خاطره ساز شده است.»

حاج آقا حیف شدند

بعد از این لحظات ماندگار، واکنش مردم و خادمان، این مجری با سابقه را بیشتر تحت تأثیر قرار داد: «بسیاری از مردم هنوز که هنوز است، من را با آن صحنه اعلام خبر شهادت حاج آقا به یاد می آورند. برخی می گویند: «دو تصویر از خاطرات تلویزیونی در ذهن ما مانده است: اعلام رحلت امام خمینی (ره) با صدای حیاتی و اعلام شهادت حاج آقا رئیسی توسط شما. ولی من همچنان این طور فکر می کنم که این دلدادگی به شهید رئیسی، نشان از عمق دوست داشتن مردم به اخلاق و منش حاج آقا دارد، نه چیزی که من انجام دادم.» او با بغض اضافه می کند: «حاج آقا حیف شدند. هر چند عاقبت بخیری چیزی نیست که بتوان برایش «حیف شد» گفت. ایشان به مقام شهادت رسیدند، اما برای ما، برای مردم ایران، داغ بزرگی به جا گذاشتند.»

خانم ها و آقایان آشپز که زحمت کشیده بودند، با احترام ایستادند و گفتند: «خانم ها و آقایان آشپز! واقعاً از شما ممنونم که این همه تلاش کردید و به مهمان های ما خدمت کردید.» این رفتار ساده و بی ریای او موشی همیشگی ایشان بود و برای همه ما، درسی از قدردانی و تواضع بود. «براق بافان ادامه می دهد: «حاج آقا همیشه با شوخی و جدیت توأمان، فضای برنامه ها را روح بخش می کردند. با آنکه جایگاه شان رئیس جمهوری بود و در مهم ترین جلسات با مقامات داخلی و خارجی شرکت می کردند، ذره ای خشکی و تکلف در رفتارشان دیده نمی شد. برای همه ما، به ویژه در جریان هایی که منجر به شهادتشان شد، درس بزرگی ماند که ادب، تواضع و مردمی بودن، صفتی است که نه با زمان تغییر می کند و نه با مقام و جایگاه.»

عجب تشکری!

براق بافان خاطراتی از خادمی در حرم مطهر نقل می کند که نشان دهنده ویژگی های شخصیتی حاج آقا در صحنه هایی متفاوت است: «من سال ها منتظر اجازه خادمی حضرت امام رضا (ع) بودم. بیش از ۶۰ سال طول کشید تا نوبت من رسید. وقتی که حکم خادمی ام امضا شد، همان لحظه گفتم: «حاج آقا، ممنون

رئیس به رسم همیشه، سخنانشان را مختصر و مفید گفتند. مجلس رسمی بود؛ مهمانان خارجی و تعداد زیادی از سفردار سالن حضور داشتند. صحبت های ایشان که به پایان رسید، نگاهی به ما کردند و بالبخندی خاص گفتند: «این آقای رئیس (من را اینگونه خطاب می کردند) را می بینید؟ هر وقت ما برای برنامه زنده صدامی زدند، تن و بدنمان می لرزید!» براق بافان می گوید وقتی من را آقای رئیس خطاب می کردند، به ایشان می گفتم: «حاج آقا، رئیس سادات که شما هستید!» او بارها تأکید می کند: «هیچ مسئولیتی، حتی ریاست جمهوری، حاج آقا را از تواضع و شوخ طبعی دور نکرد.» بارها از سکنت و تواضع شهید رئیسی چه در دوران ریاست جمهوری و چه بعد از شهادتشان، شنیدیم. شنیدیم که: حاج آقا رئیسی در تمام سال های مسئولیت، حتی در بالاترین سطوح، همان احترام و ادب و خاکی بودن را حفظ کرده بود. او از مراسم افطاری با سفرایی که هر ساله برگزار می شد، خاطره ای دیگر اضافه می کند: «آن شب که سفرای کشورهای مختلف بعد از ضیافت، سالن را ترک می کردند، حاج آقا نیز از مهمانان خدا حافظی کرده و از سالن بیرون رفتند. ولی چند قدم که از سالن فاصله گرفتند، دوباره برگشتند و به طرف آشپزخانه رفتند. رو به

«بسیاری از مردم هنوز که هنوز است، من را با آن صحنه اعلام خبر شهادت حاج آقا به یاد می آورند. برخی می گویند: «دو تصویر از خاطرات تلویزیونی در ذهن ما مانده است: اعلام رحلت امام خمینی (ره) با صدای حیاتی و اعلام شهادت حاج آقا رئیسی توسط شما.»

